



Scientific Journal
**The History of Islamic Culture
And Civilization**

Vol. 16, Autumn 2025, No. 60

**Conceptualization of the Term “Modern Islamic Civilization”
From the Perspective of Islamic Thinkers**

Mohammad Etrat Doost¹ \ Mubarakeh Mukhlesabadi Farahani²

1. Associate Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

etratdoost@sru.ac.ir

2. Master of Arts in Islamic Philosophy and Theology, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.

mobarakfarahani59@gmail.com

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article	The conceptual and substantive scope of any phenomenon under observation may have undergone a transformation in meaning or true concept in the evolution of history, society, and human life. The first step in defining and discovering the nature of a phenomenon is to identify and define key concepts and terminology. The phenomenon of modern Islamic civilization, as a generator of new vitality in the human lived sphere, has attracted the attention of many thinkers in the field of linguistics and, in addition to the process of lexical conceptualization, has had a historical and cultural evolution based on religious and social trends. In this research, we have attempted to examine the historical and cultural evolution of the term "modern Islamic civilization" through library study and descriptive analysis, in addition to the semantics and conceptualization of the term "modern Islamic civilization" from the perspective of Islamic scholars and thinkers, and through this, we have also expressed the fundamental components, requirements, and requirements of modern Islamic civilization. The research findings show that "modern Islamic civilization" from the perspective of Muslim thinkers is an objectified example of a superior divine civilization in which attention is paid to the two elements of man and God and the connection between them in the field of human social life, and its effective tools are nature and rationality.
Received: 2025/04/06	
Accepted: 2025/09/16	
	
Keywords	Islamic civilization, modern civilization, cultural evolution, conceptualization.
Cite this article:	Etrat Doost, Mohammad & Mubarakeh Mukhlesabadi Farahani (2025). Conceptualization of the Term “Modern Islamic Civilization” From the Perspective of Islamic Thinkers. <i>The History of Islamic Culture And Civilization</i> . 16 (3). 9-30. DOI: 10.22034/16.60.9
DOI:	https://doi.org/10.22034/16.60.9
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

ايجاد مفهوم مصطلح «الحضارة الإسلامية الحديثة» من منظور المفكرين الاسلاميين

محمد عترت دوست^١ / مبارکه مخلص آبادي فراهاني^٢

١. استاذ مرادف فرع اللاهوت و المعارف الاسلامية، جامعة الشهيد رجائي لاعداد المعلمين، طهران، ايران (الكاتب المسؤول).

etratdoost@sru.ac.ir

٢. ماجستير الفلسفه و الكلام الاسلامي، جامعة الشهيد رجائي لاعداد المعلمين، طهران، ايران.

mobarakfarahani59@gmail.com

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	دائرة مفهوم و مصداق اي ظاهرة تحت الرصد و المراقبة، من الممكن في تطور التاريخ، المجتمع و الاحياء الانساني قد وصلت الي التغيير في المعني و المفهوم الحقيقي. اول خطوة في تعريف و كشف ماهية ظاهرة ما، هو التعرف و تعريف المفاهيم المفتاحية و تعريف المفردة. ظاهرة الحضارة الاسلامية الحديثة، بصفة مولد حياتي حديث في مضمار احياء الانسان محط اهتمام الكثير من المفكرين في مضمار علم اللغة و علاوة علي مراحل ايجاد مفهوم لغوي، له تطور تاريخي و ثقافي علي اساس النزعات المذهبية و الاجتماعية. في هذا البحث تم السعي من خلال المطالعة المكتبية و التحليل الوصفي، إضافة الي علم المعاني و ايجاد مفهوم مصطلح «الحضارة الاسلامية الحديثة» من منظار الباحثين و المفكرين الاسلاميين، دراسة مسيرة التطور التاريخي و الثقافي لهذا المصطلح و من هذا المعبر، تبين العناصر الاسلامية، ضروريات و الزامات الحضارة الاسلامية الحديثة ايضاً. حصيلة البحث تشير الي ان «الحضارة الاسلامية الحديثة» من منظار المفكرين الاسلاميين، مصداق عيني للحضارة الالهية المثلي التي يتم الاهتمام فيها بعنصري الانسان و الله و التلاحم بينهما في مضمار الحياة الاجتماعية و آلتها المؤثرة ايضاً الفطرة و التعقل.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/١٠/٠٨	
تاريخ القبول: ١٤٤٧/٠٣/٢٢	
الألفاظ المفتاحية	الحضارة الاسلامية، الحضارة الحديثة، التطور الثقافي، بحث المفهوم.
الاقتباس:	عترت دوست، محمد و مبارکه مخلص آبادي فراهاني (١٤٤٧). ايجاد مفهوم مصطلح «الحضارة الاسلامية الحديثة» من منظور المفكرين الاسلاميين. مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية. ١٦ (٣). ٣٠ - ٩.
رمز DOI:	DOI: 10.22034/16.60.9
الناشر:	https://doi.org/10.22034/16.60.9 جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.



دانشگاه معارف اسلامی

نشریه علمی

تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

سال ۱۶، پاییز ۱۴۰۴، شماره ۶۰

مفهوم‌یابی اصطلاح «تمدن نوین اسلامی» از منظر متفکران اسلامی

محمد عترت دوست^۱ / مبارکه مخلص آبادی فراهانی^۲

۱. دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
etratdoost@sru.ac.ir

۲. کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
mobarakfarahani59@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۳۰ - ۹)	دایره مفهومی و مصداقی هر پدیده تحت رصد، ممکن است در تطور تاریخ، اجتماع و زیست انسانی به دگرگونی در معنا یا مفهوم حقیقی رسیده باشد. اولین قدم در تعریف و کشف ماهیت یک پدیده، شناسایی و تعریف مفاهیم کلیدی و واژه‌شناسی است. پدیده تمدن نوین اسلامی، به‌عنوان مولد حیاتی نوین در عرصه زیسته انسان مورد توجه بسیاری از متفکران حوزه زبان‌شناسی قرار گرفته و علاوه بر فرایند مفهوم‌یابی لغوی، تطوری تاریخی و فرهنگی بر اساس گرایش‌های مذهبی و اجتماعی داشته است. در این پژوهش تلاش شده تا با مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل توصیفی، علاوه بر معناشناسی و مفهوم‌یابی اصطلاح «تمدن نوین اسلامی» از منظر اندیشمندان و متفکران اسلامی، سیر تطور تاریخی و فرهنگی این اصطلاح را بررسی نموده و از این رهگذر، مؤلفه‌های بنیادین، بایسته‌ها و الزامات تمدن نوین اسلامی را نیز بیان نمائیم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «تمدن نوین اسلامی» از نگاه متفکران مسلمان، مصداق عینیت یافته از تمدن برتر الهی است که در آن به دو عنصر انسان و الله و پیوند میان آنها در ساحت زندگی اجتماعی بشر توجه شده و ابزار موثر آن نیز فطرت و عقلانیت است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷	تمدن اسلامی، تمدن نوین، تطور فرهنگی، مفهوم‌یابی.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵	عترت دوست، محمد و مبارکه مخلص آبادی فراهانی (۱۴۰۴). مفهوم‌یابی اصطلاح «تمدن نوین اسلامی» از منظر متفکران اسلامی. <i>تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی</i> . ۱۶ (۳). ۳۰ - ۹. DOI: 10.22034/16.60.9
واژگان کلیدی	کد DOI: https://doi.org/10.22034/16.60.9
استناد:	ناشر: دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

اگر ظرف شکل‌گیری تمدن‌ها را بستر اجتماع و محصول نگرش غایت‌مدارانه و هستی‌شناسانه بشر بدانیم، درک مقتضیات زمانی - مکانی جامعه و انگیزه شکل‌دهی به تمدن در معنایابی از «تمدن» مؤثر خواهد بود؛ چنان‌که ریشه عربی «م.د.ن» به معنای پذیرش نظم اجتماعی و همکاری بوده و تحت تأثیر بافت تاریخی به معنای پیشرفت و توسعه مادی درآمده است. نکته قابل‌توجه اینکه کلمات و واژه‌ها در انتقال از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر، در پارادایم ذهنی مخاطب قرار می‌گیرند و مفهومی متناسب با مخاطب پیدا می‌کنند. اگر این واژه‌های منتقل‌شده در مقصد دارای اصالت باشند، هژمونی اجتماعی و فرهنگی پیدا می‌کنند و در تعاملات انسانی قرار می‌گیرند. در بررسی تاریخ تشکیل، تکوین و ماهیت تمدن‌ها، خصلت‌های فرهنگی، ارزشی، مناسبات و روابط اجتماعی جوامع هم متأثر از تمدن بوده و هم بر تمدن اثر داشته است؛ چنان‌که تمدن اسلامی با تکیه بر مؤلفه محوری «توحید» مدعی است که قادر است تمدنی مطلوب متناسب با ساحت مادی و معنوی بشر ایجاد، و ارزش‌های معنوی را در ساختار اجتماعی به صورت عینی جاری کند. با توجه به این مدعا، مسئله فهم ماهیت «تمدن» مورد تأکید اسلام با دایره جهان‌شمول نیازمند کاوش در معنایابی نوین از «تمدن» و متعاقب آن «تمدن اسلامی» و «تمدن نوین» است.

بر این اساس، در این پژوهش برای تسهیل فهم معنای مسئله تحقیق، «تمدن نوین اسلامی»، افزون بر تعریف هر یک از مؤلفه‌های این اصطلاح، به نظر اندیشمندان متفکر اسلامی در تحلیل مفهومی عنوان «تمدن اسلامی» و «تمدن نوین اسلامی» توجه شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری درباره موضوع خاص تمدن اسلامی و مراحل و عوامل انحطاط آن صورت گرفته است و درباره موضوع خاص این پژوهش، یعنی مفهوم‌شناسی تمدن نوین اسلامی، نیز آثار مشابهی وجود دارد، ولیکن بررسی آنها نشان می‌دهد که اکثراً با زاویه دیدی متفاوت با این پژوهش به تحلیل مسئله یا نظرهای اشخاص پرداخته‌اند. به عنوان مثال، علی‌اصغر رجبی در کتاب **تمدن نوین اسلامی، چالش‌ها و راهبردها** فقط به بررسی چالش‌ها و راهبردهای تمدن نوین اسلامی پرداخته و تمدن‌سازی جدید را مستلزم احیای تمدن‌های کهن در قالب و اندیشه‌ای نو دانسته است.^۱

رضا غلامی نیز در کتاب **فلسفه تمدن نوین اسلامی** در قالب ده درس گفتار، وجوه مختلف تمدن

۱. ر.ک: رجبی، **تمدن نوین اسلامی: چالش‌ها و راهبردها**.

نوین را واکاوی، و سیاست غایی اسلام را قرار دادن انسان در مسیر تکامل و تعالی و حرکت به سمت مبدأ عالم معرفی کرده است.^۱ وی در مقاله «معنای تمدن نوین و فلسفه نیازمندی به تمدن نوین» نیز فقط به بررسی معنای مفهومی تمدن از منظر اندیشمندان مختلف پرداخته و تمدن را نظامی اجتماعی از اندوخته‌های مادی و معنوی انسان‌ها معرفی کرده که نمودی دیگر از فرهنگ جامعه است. مؤلف معتقد است که شهید مطهری تمدن را از ثمره‌های دین اسلام دانسته که برابندی از تحقق دین در جامعه مسلمانان است و چون دین اسلام ریشه در فطرت دارد، تمدن اسلامی نیز منطبق با فطرت الهی همه انسان‌هاست.^۲

در مقاله «نظریه گذار تمدنی به‌مثابه راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی» نیز تمدن محصول باورها، نگرش‌ها، احساسات و رفتارهای انسان و ترکیبی از عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری معرفی شده که نهادها و ساختارهای برآمده از جهان‌بینی و جهان‌نگری اسلامی آن را ایجاد می‌کنند.^۳

پورعباس در مقاله «تأملی بر کارکرد توحید عبادی نسبت به مظاهر عینی تمدن نوین اسلامی» افق غایی امت اسلام و آرمان‌های حرکت تکاملی انقلاب اسلامی در ایران را تحقق تمدن نوین اسلامی معرفی کرده است که براساس آموزه‌های اسلام و عنصر اساسی آن، یعنی اصل توحید، شکل می‌یابد. این اصل، به عنوان محور تحرک و پویایی تمدن اسلامی، شاکله فکری انسان‌ها را متحول کرده و جایگاه عبودیت در عرصه حیات اجتماعی را در قالب شناخت علت فاعلی هستی به ظهور رسانده است.^۴

در مقاله‌های «تمدن نوین اسلامی از آرمان تا واقعیت»^۵ و «نظریه تمدن نوین اسلامی از رویکرد فلسفی تا رویکرد تاریخی»^۶ نیز عمدتاً به پردازش تعاریف مطرح درباره تمدن اسلامی توجه، و وجوه تمایز آن از دیگر تمدن‌های بشری معرفی شده است.

۱. ر.ک: غلامی، *فلسفه تمدن نوین اسلامی*.

۲. ر.ک: غلامی، «معنای تمدن نوین و فلسفه نیازمندی به تمدن نوین»، *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی*، ص ۷۱ - ۵۶.

۳. ر.ک: عبدالملکی، نظامی‌پور و عشایری، «نظریه گذار تمدنی به‌مثابه راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی»، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۱ (۱)، ص ۱۵۱ - ۱۱۵.

۴. ر.ک: پورعباس و دیگران، «تأملی در کارکرد توحید عبادی نسبت به مظاهر عینی تمدن نوین اسلامی»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، ۱۵ (۲)، ص ۲۴ - ۱۵.

۵. ر.ک: موالی‌زاده، «تمدن نوین اسلامی؛ از آرمان تا واقعیت»، *مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی*، ۲ (۳)، ص ۱۷۶ - ۱۶۲.

۶. ر.ک: نجفی، «نظریه تمدن نوین اسلامی از رویکرد فلسفی - نظری تا رویکرد تاریخی - نظری»، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۳ (۲)، ص ۴۰ - ۱.

بر این اساس، وجوه نوآوری و تمایز این پژوهش از دیگر پژوهش‌های متعدد انجام‌شده اولاً تمرکز بر احصا و تحلیل نظرهای اندیشمندان و نظریه‌پردازان مسلمان در عرصه مفهوم‌سازی تمدن نوین اسلامی، و ثانیاً تلاش برای مفهوم‌سازی اصطلاح «تمدن توحیدی» به عنوان معادلی مناسب و حقیقی برای «تمدن نوین اسلامی» است.

معنای لغوی «تمدن»

یکی از رویکردها در فهم یک پدیده و مفهوم درک معنا از طریق واژه‌شناسی لغوی و اصطلاحی است. تعریف دقیق یک موضوع مستلزم توجه به زمان ظهور، زمان بازتعریف و اقتضای نیاز اجتماعی است؛ زیرا مفاهیم دارای نوعی زمانمندی و حیات‌اند و تغییر شکل محتوایی می‌دهند.^۱ با توجه به آیات قرآن کریم، مثل «وَإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا، قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ، هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ، إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ»^۲ واژه «تمدن» امری فطری و جبلی بوده که بشر به صورت غریزی و فطری به سمت ایجاد آن رانده شده است.

در معادل‌یابی از فرهنگ‌نامه‌های عربی، «تمدن» را «الحضاره» از ریشه لغوی «دی ن» در نظر گرفته‌اند.^۳ برخی دیگر آن را از ریشه «م د ن» و گرایشی به شهرنشینی دانسته‌اند؛^۴ چنان‌که فراهیدی و ابن فارس نیز «مدینه» را بر وزن «فعیله» و ریشه آن را «م د ن» می‌دانند.^۵ معاصران نیز آن را «اخلاق شهرنشینان یافتن و خو گرفتن به اخلاق آنان» تعبیر کرده‌اند.^۶

در قرآن کریم اگرچه واژه تمدن بیان نشده، با واژگان امت، قریه و قرن برابر نهادی شده^۷ و مشتقات آن چهارده مرتبه به صورت مدینه و مدائن به کار رفته است.^۸ مفسران معتقدند در ادبیات قرآنی، «تمدن» به معنای خروج از جهل و ورود به راه و رسم انسانیت است.^۹ در ادبیات فارسی نیز واژه تمدن مفهوم شهرنشینی دارد. دهخدا تمدن را آراسته شدن به اخلاق شهر

۱. جعفریان، «نخستین نگارش‌ها درخصوص تمدن اسلامی»، دوفصلنامه نقد کتاب آینه پژوهش، ۳۱ (۱۸۴)، ص ۲۱.

۲. هود / ۶۱.

۳. راغب اصفهانی، المفردات فی الفاظ القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، ج ۱، ص ۶۶۳.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۴۰۲.

۵. ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۲۱۸.

۶. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۵۵.

۷. اخوان کاظمی، مجموعه مقالات دانشگاه، فرهنگ، جامعه، ص ۷۶.

۸. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۵۵.

۹. قرشی، قاموس القرآن، ج ۱، ص ۲۴۴.

و درآمدن از خشونت و هجمه به ظرافت و انس و معرفت دانسته^۱ و در فرهنگ عمید، تمدن به اخلاق و آداب شهریان خو گرفتن و همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی و دینی تعریف شده است.^۲

معنای اصطلاحی «تمدن اسلامی»

فارغ از اشتراک لفظی، معنای اصطلاحی «تمدن» متأثر از شرایط بروز و ظهور (عینیت‌یافتگی)، فرایندی بودن، تحول‌آفرینی و غایت‌اندیشی بوده است. ویل دورانت معتقد است: «تمدن عبارت است از خلاقیت فرهنگی که خود در نتیجه وجود نظم اجتماعی و حکومت قانون و رفاه نسبی امکان وجود می‌یابد».^۳ اشنپنگلر نیز «تمدن» را امری تبدیل‌شده دانسته است که در هر فرهنگی ویژه‌سازی می‌شود.^۴ آرنولد توینبی «تمدن» را زمینه‌ای برای مطالعه تاریخ شمرده است که از حیث زمانی و مکانی دامنه‌ای وسیع‌تر از دولت ملی یا هر مجموعه سیاسی دیگر دارد.^۵ ادوارد تایلر «تمدن» را مترادف فرهنگ با ترکیبات پیچیده‌ای از رسوم، عادات، آداب، قوانین و اخلاق و اعمال انسانی در جامعه به شمار می‌آورد.^۶ یوکیچی فوکوتساوا «تمدن» را نه تنها افزایش مصرف انسان، بلکه پالایش معرفت و پرورش فضیلت برای معنادهی متعالی به زندگی معنا می‌کند.^۷ رالف لیتنن نیز بر ایند شناخت ادراکی (تفکر) و شناخت عاطفی انسان را «تمدن» می‌داند.^۸

با بررسی واژه‌های برابر نهاد «تمدن» در قرآن کریم چنین نمایان می‌شود که این واژه از سده‌های ابتدایی جهان اسلام مورد توجه بوده است.^۹ در سیر تاریخ فرهنگی مسلمانان، ترجمه متون غربی به زبان عربی باعث شد کلمات عربی برای بیان معانی وارداتی از ریشه و بافت اصلی‌شان خارج و هدفمند شوند و با انضباط درونی در معنای جدید به کار روند؛^{۱۰} چنان‌که در ترجمه اخلاق نیکوماخوس، واژگان «تمدن» و «مدن» معادل شهر آمده است. ابن‌خلدون نیز این واژه را معادل الحضاره و العمران قرار داده

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱، ص ۵۰۳.

۲. عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۵۳.

۳. دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه مجموعه نویسندگان، ج ۱، ص ۴.

۴. اشنپنگلر، فلسفه سیاست، ترجمه هدایت‌الله فروهر، ص ۳۳.

۵. توینبی، بررسی تاریخ تمدن، ترجمه محمدحسین آریا، ص ۱۱۳.

۶. رشاد، دروس فلسفه فرهنگ، ص ۳۹.

۷. فوکوتساوا، نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، ص ۱۲۰.

۸. لیتنن، سیر تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، ص ۳۹۵.

۹. هجری، تبارشناسی تاریخی واژه تمدن در جهان اسلام، ص ۲۷.

۱۰. نصر، جستاری نظری در باب تمدن، ترجمه احمد راهدار و همکاران، ص ۳۹.

و معنای واژه «مدینه» را خانواده، سیاست و سیره تعبیر کرده است.^۱ فارابی نیز، با استناد به ضرورت مدنیت انسان، «مدینه» را بدن راست و درست معرفی و با صورت‌بندی منسجم در «فی إثبات النبوه»، مدنی بالطبع بودن انسان را شرح داده شده است.^۲

استفاده از واژه تمدن در قرن هفتم با ابن‌ابی‌الحدید (۶۵۶ – ۵۸۶ ق)، ابن‌سبعین و ابن‌کمنه به نصیرالدین طوسی انتقال یافت که واژه «تمدن» را از اصطلاح فلاسفه به معنای «اجتماع انسانی برای رفع نیازهای زندگی و درستی وضع انسان» تعریف کرده است. این گستره حفظ واژه «تمدن» در سده یازدهم، دوازدهم و سیزدهم قمری نیز ادامه یافت و با شروع تحولات تجددمآبانه اسلام با غرب، معادل civilization قرار گرفت.

تلاش‌های نوین از درک معنای «تمدن» باعث شد تعابیر دیگری به این عرصه وارد شود؛ از جمله معنای «فهم نیازهای انسان جهت سیستم‌های کلان شبکه شدن و تولید الگوی تفکرزایی با هدف الگوی مطلوب بشری».^۳

سیر تطور تاریخی و فرهنگی «تمدن نوین اسلامی»

نگاه ساختارگونه فرهنگ‌های مختلف بار معنایی «تمدن» را تغییر می‌دهد. در ساختار فرهنگی دین اسلام، اعتقاد به توحید تلقی نوع بشر از مدنیت را به سمت استقرار نظامی پیچیده برده و کشف اعتباریات در منطقه‌الفراغ اسلام ناظر بر هرم نیاز بشر، مفاهیم جدیدی از «تمدن» را ایجاد کرده است.^۴ متفکران اسلامی ملاک و معیار اصلی تمدن اسلامی را وحدت عقیدتی، فرهنگی و جهان‌بینی دینی تعریف کرده‌اند.^۵

با ردیابی آثار فرهنگی و اجتماعی، «تمدن» را می‌توان نهادینگی، ته‌نشست و رسوب فرهنگ در زندگی اجتماعی چندین نسل یک جامعه و بسط آن به سایر جوامع و جغرافیای جهانی تعریف کرد.^۶ علامه جعفری «تمدن» را «برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه در مسیر رشد و کمال، بروز و به فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده» تعریف کرده است.^۷ علامه مصباح با نگاه ارگانیکی

۱. هجری، *تبارشناسی تاریخی واژه تمدن در جهان اسلام*، ص ۹۸.

۲. همان، ص ۱۱۳.

۳. ابادری، شریعتی و فرجی، «فراروایت تمدن یا فرایند تمدن‌ها؟ خوانشی از پروبلماتیک فرهنگ و تمدن»، فصلنامه *تحقیقات فرهنگی*، ۴ (۲)، ص ۲.

۴. واسطی، *هویت اصلی فقه تمدنی، فقه فرایندی*، ص ۱۸ - ۱۰.

۵. عرفان، «دیالکتیک امت، ملت»، فصلنامه *مطالعات راهبردی*، ۱۵ (۴۹)، ص ۴۷.

۶. باقری، *قابلیت‌های راهبردی و سرمایه فرهنگی در عرصه دین و فرهنگ*، ص ۱۱۷.

۷. جعفری، *فرهنگ پیشرو، فرهنگ پیرو*، ج ۶، ص ۱۶۳.

به جامعه «تمدن» را چتر فعالیت‌های اجتماعی برای زندگی انسان‌ها که نوعی ثبات، وحدت ارگانیک و اندام‌واره دارند معرفی می‌کند.^۱

مفهوم نوینی که به این عرصه وارد شده تعبیر «مشاع اجتماعی» در تعریف «تمدن» است که سه گزاره مهم دارد:

الف) تمدن برای تحقق و گسترش نیازمند اجتماع، پذیرش اجتماعی و قواعد متناسب با جهش اجتماعی است تا ماندگار شود؛

ب) برای پذیرش اجتماعی، ساخت و شکل‌گیری یک دال مرکزی نیاز است تا اراده‌ها همسو شوند؛
ج) در میان اراده‌ها، نحوه مشارکت و نظام‌مندی اجتماعی در نحوه ساخت تمدن مؤثر است. در جامعه اسلامی، مشارکت ذیل پرستش تعریف می‌شود (مشاع اجتماعی).

بنابراین، در تعریف «تمدن» مجموعه نظریات در دو دسته قابل تقسیم است:

الف) تعریف با رویکرد مادی که تمدن را پدیده‌ای عینی با مظاهر تماماً مادی می‌شناسد؛
ب) رویکرد دوبعدی (مادی و غیرمادی) که امر معنوی را از اصول بنیادین تمدن با برآیند توسعه و پیشرفت در گستره اجتماعی می‌داند.

مفهوم‌شناسی «تمدن نوین اسلامی» (متغیرهای مؤثر در تعریف «تمدن نوین اسلامی»)
در نگاه جامعه‌شناسان اسلامی، تشخیص ایستگاه معرفتی از مفهوم «تمدن» چستی «تمدن اسلامی» را روشن می‌کند. در این نگاه، «تمدن» با سه محور تعریف می‌شود:

از منظر فلسفی: کلان‌ترین نظام‌واره مناسبات انسانی که بین انسان و انسان رخ می‌دهد؛
از منظر الهیاتی: تحقق یک امر و مانیفست جامع ذیل دین جامع که اسلام است و در مغز و محتوای امت تحقق می‌یابد؛ از منظر اجتماعی: اسلام پاسخی انباشته به نیازهای متراکم است.^۲

در فهم «تمدن اسلامی»، رویکرد تمدنی به رابطه «انسان و انسان» در سطح خرد و کلان مهم است. انسانی بودن تمدن واژه «تمدن» را به مفهومی هنجاری تبدیل می‌کند و آن را در برابر بربریت و توحش قرار می‌دهد. با این تعابیر، باید به فهم «تمدن اسلامی» از افق بالاتر از یک دولت یا واحد اجتماعی توجه شود. از آنجاکه تمدن سلسله نظام مناسبات انسانی است، باید مستند به عقلانیت و مقبولیت ذیل منبع

۱. مظاهری مقدم و صولتی، چارچوب مفهومی تمدن از دیدگاه علامه مصباح، ص ۱۸.

۲. بابایی، ماهیت و رویکرد تمدنی، ص ۸۹.

مشترک باشد و به مرحله عینیت اجتماعی راه یافته باشد تا متصف به «اسلامی شدن» یا «اسلامی بودن» آن عام مرکزیت پیدا کند. یکی از آثار عینی اجتماعی اسلامی شدن تمدن ترابط و تعلق‌های عمیق برخاسته از معرفت به مصادر عقلانی اسلامی است که می‌تواند تکاثرها را به وحدت عینی تبدیل کند.^۱ این منبع با تولید ذهنیت دین‌دارانه و ظهور در مؤلفه ایمان اجتماعی بر نظم و ساحت اجتماعی اثر گذاشته و تکلیف عمومی از امری متعالی را صورت‌بندی کرده است.^۲

از سوی دیگر، عنصر «اسلامیت» بر حوزه اقتدار، اعتبار و مفهوم نوین تمدنی نیز مؤثر است؛ از جمله:

۱. تولید ژئوتمدن (قدرت بازتولیدی)؛

۲. سنجش قدرت یک تمدن با تمدن‌های دیگر؛

۳. تولید قدرت هم‌بستگی جامعه مدنی با پذیرش تنوع و تکثر فرهنگی در یک تمدن.

تفاوت ماهوی میان «تمدن اسلامی» و سایر تمدن‌های تجربه‌شده بشری وجود نگاه فلسفی و شناختی در اسلام به تمدن است. در این تعبیر، «تمدن اسلامی» وجودی حقیقی، عینی، اخلاقی و روحی است که ارتباطات انسانی را در قالب یک ارگانیسم تمدنی منظم می‌کند. درحقیقت، «من»‌های جزئی در یک جامعه بر اثر ارتباطات انسانی در پرتو «تعارف» و «تعایش» به «من»‌های کلی تبدیل، و از تکامل «من»‌های کلی، یک «من» تمدنی محقق می‌شود. از احکام هستی «من» تمدنی وجود «فطرت اجتماعی» به عنوان مولود فطرت‌های موجود در عرصه اجتماع است. فطرت اجتماعی نحوه نگرش به جهان (به عنوان محلی برای تحقق تمدن‌ها) در نسبت با خداوند، قانونمندی، هدف‌داری، انسجام و همچنین نسبت انسان با قوانین، سنت‌های حاکم بر جهان، نحوه تصرف انسان در طبیعت و رابطه معنادار با هستی را پوشش می‌دهد. در این معنا «اسلامیت» نه یک تشخیص عبدی، که عیار تشکیل تمدن و غایت آن پاسخی به نیاز انسان در عرصه هستی است.^۳

تفاوت ماهوی دیگری که بر مفهوم «تمدن اسلامی» اثر دارد ظرفیت‌های بنیادین است. هدفمندی هستی و حاکمیت توحیدی تفسیر از جهان را معنادار کرده و پایه‌ای‌ترین ظرفیت ایجاد تمدن متمایز اسلامی (تمدن امت‌گونه) و نگرش جهان‌وطنی است. بنابراین، ظرفیت وحدت امت‌گونه و امکان خردورزی در پرتو اسلامیت تمدن، ظرفیتی است که دامنه آن به قدرتمندسازی انسان و گرایش به توسعه و پیشرفت می‌رسد.^۴

۱. بابایی، «چیستی تمدن در فلسفه»، فصلنامه *فلسفه و الهیات*، ۲۱ (۴)، ص ۱۵.

۲. بابایی، «تنوع اسلامی در فرایند تمدن»، فصلنامه *تقد و نظر*، ۲۲ (۸۸)، ص ۴۱.

۳. همان، ص ۵۱.

۴. واسعی، «مفهوم‌شناسی تمدن اسلامی»، فصلنامه *تقد و نظر*، ۲۲ (۸۸)، ص ۷.

تعریف «تمدن نوین اسلامی» (واژه‌یابی «تمدن نوین اسلامی»)

با کنکاش در بنیادهای متنی و فرامتنی «تمدن اسلامی»، می‌توان تعریف دقیق‌تری از زوایای مختلف (تعریف لفظی و تعریف عینی) ارائه داد. باید این نکته را در نظر داشت که بین ادبیات نظری و اجزای عینی، رابطه دیالکتیکی برقرار است و در مقام عمل هر دو بر هم اثرگذارند.^۱

با بررسی قرآن، نظام به‌هم‌پیوسته‌ای از یک اجتماع واحد یافت می‌شود که در آن مجموع انبیا در مدیریت و استقرار نظام اراده الهی در ساخت اجتماع بشر نقش دارند.^۲ بنابراین، اوامر الهی، اقامه جامعه توحیدی و تحقق عبودیت خدا به عنوان ارکان جامعه‌سازی تمدنی با تکیه بر عقلانیت و عبودیت اسلامی محقق می‌شود.^۳

در ادبیات و منابع دینی، واژه «تمدن» نیامده، اما به واژه‌های مترادفی چون «مدینه»، «بلد»، «قریه»، «امت» و «ملک» توجه شده است، که بررسی معانی منظور شده برای این واژگان وسعت معنایی «تمدن اسلامی» را ظاهر می‌سازد.

واژه بلد، مدینه و قریه: در نگاه اول، این سه واژه دارای معنای مشابه است؛ اما با کنکاش در مضامین دینی، مشخص می‌شود که شرایط اجتماعی حاکم در خلق معانی مؤثر بوده است. واژه بلد و مدینه دلالت بر حضور پیامبران الهی و مؤمنان در عرصه اجتماع داشته، ولی واژه قریه منتسب به اجتماع فارغ از حضور نبی یا مؤمنان بوده است.^۴

واژه امت: این واژه از نظر لغوی از ریشه «أَمَّ، یَوْمُ» است و در اصطلاح به مجموعه‌ای از انسان‌ها اطلاق می‌شود که هدف و مقصد واحدی آنها را گرد هم جمع کرده است و دارای این ویژگی‌هایند: اولاً امت بر مدار عقیده شکل گرفته است و بر مؤلفه‌هایی چون توحید، نبوت، معاد و اتحاد امت اسلامی دلالت دارد؛

ثانیاً امت بر مدار امام شکل گرفته و هادی امت‌هاست؛^۵

ثالثاً امت دارای مناسک متناسب با آرمان‌هایش است. «امت» به پایداری و همیشگی‌بودگی ختم شده و به جهت ماهوی، دارای ویژگی‌های جهان‌شمولی، غایت‌مداری، پیوستگی و انسجام و توجه به نیازهای

۱. راهدار، «چیستی تمدن اسلامی»، فصلنامه اندیشه تمدنی اسلامی، ۱ (۱)، ص ۵۴.
۲. حسینی و رضی، «هستی‌شناسی توحیدی قرآن و نقش آن در تمدن‌سازی تربیت‌محور»، فصلنامه علم و تمدن در اسلام، ۲ (۷)، ص ۸۹.
۳. چیت‌چیان، مدیریت انبیا در برپایی تمدن توحیدی، ص ۵۴.
۴. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۲۵۴.
۵. یونس / ۷۴.

کلان انسانی است که آن را به ماهیت «تمدن» نزدیک و قرین می‌سازد.^۱

با توجه به تعریف لغوی امت، می‌توان ادعا کرد که این واژه با مفهوم اجتماعی ممزوج در دین تلفیق شده است و هویت خاص خود را به افراد انتقال می‌دهد. از ویژگی‌های محتوایی امت گستردگی سطح هویتی آن است؛ به طوری که تمام گروه‌های انسانی را دربرمی‌گیرد و به دلیل مجموعه عناصری همچون دین و فرهنگ بازتولیدی و خودتولیدی دارد. بنابراین، امت ظرفیت بالایی به عنوان هسته اصلی تمدن دینی دارد.^۲

تعریف متفکران اسلامی از «تمدن نوین اسلامی»

تحقق ایمان در مقیاس کلان اجتماعی، تنظیم مناسبات انسانی براساس یک حرمت معنوی، دینی و حبی و روحیه معنویت جمعی مورد توجه متفکران اسلامی بوده است. در دوره‌های ابتدایی اسلام، فارابی با ارائه فلسفه سیاسی به عنوان یک مطالبه عقلانی و برهانی، عناصر جامعه و مدنیت را در تعریف از «تمدن اسلامی» معرفی می‌کند. فارابی «تمدن اسلامی» را فرصت تعالی و رشد انسان‌ها در پرتو خردورزی و عقلمندی متصل به قرآن و منبع وحی می‌داند.^۳

در دوران معاصر نیز، امام خمینی علیه السلام، با اعتقاد به جامعیت قلمرو حداکثری و ابعاد دنیوی – اجتماعی دین اسلام، آن را دینی تمدن‌ساز و حقیقی در بالاترین مراتب و منوط بر عمل به دین در عرصه‌های حیات اجتماعی دانسته‌اند.^۴ در این اندیشه، تمدن اسلام یک حقوق مترقی، متکامل و جامعی است که قابلیت اصلاح و اتساع زندگی مادی را دارد.

تبیین «تمدن اسلامی» از منظر آیت‌الله خامنه‌ای چنین است: پایه اصلی تمدن بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این برای یک ملت علم را هم به ارمغان می‌آورد.^۵ از نگاه ایشان، تمدن محیط زیست عینی بشر برای ارضای نیازهایش است که انسان در آن فضا به لحاظ مادی و معنوی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد.^۶

در این اندیشه، اعتقاد به ضرورت رجوع به منابع دینی و تفسیر روابط اجتماعی و سیاسی بر پایه

۱. بابایی، «چیستی تمدن در فلسفه»، فصلنامه *فلسفه و الهیات*، ۲۱ (۴)، ص ۹.
۲. مهدی‌نژاد، «رویکردی نظری به مسئله رابطه دین و تمدن»، *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۱۰ (۲)، ص ۶۹.
۳. غلامی، *پیش‌نشت اولین کنگره جهانی فارابی و تمدن اسلامی*، ص ۸۵.
۴. الویری و مهدی‌نژاد، «رابطه اسلام و تمدن در اندیشه امام خمینی»، فصلنامه *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۶ (۲)، ص ۱۷.
۵. ر.ک: بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۳/۱/۱.
۶. ر.ک: بیانات امام خامنه‌ای در دیدار اساتید دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.

قابلیت‌های دین اسلام گفتمان‌های موجود را به مبارزه می‌طلبد. نهضت اسلامی در سیر تطورش به صورت‌های گوناگون خود را نشان داده و در هر یک از این صورت‌ها، متأثر از نظام معنایی خود، گفتمان و چشم‌انداز خاصی را ترسیم کرده است. این نظام معنایی در ترسیم نقشه حرکت تمدنی اسلام مؤثر بوده و مفصل‌بندی محکمی میان عقلانیت، فلسفه و نصوص اسلامی برقرار کرده است.^۱

علامه جعفری «تمدن اسلامی» را چنین تشریح می‌کند:

دو گونه تعریف از تمدن می‌توان ارائه داد: الف) تعریف قدرت‌محور که تمدن را به فعلیت رسیدن تمام استعدادها و استخدام همه اشکال قدرت در پیشبرد هدف‌های حیات طبیعی می‌انگارد؛ ب) تعریف انسان‌محور که عبارت است از تشکل انسان‌ها با روابط عالی و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی برای رسیدن به حیات معقول که همه استعدادهای سازنده انسانی را به فعلیت می‌رساند. اسلام بنیان‌گذار تمدن انسان‌محور است که خصوصیت این تمدن «اصالت وجود» است.^۲

از نظر علامه جعفری، تمدن اسلامی تمدن اصیل انسان‌محور است که انسان نه به صورت خودبنیاد، بلکه در امتداد ربوبیت الهی معنا می‌شود.^۳

محمدباقر صدر، به عنوان مهندس بازخوانی تمدن اسلامی، دین را فراتمدنی دانسته و لازمه شکل‌گیری تمدن را تحقق امت اسلامی قلمداد کرده است. صدر معتقد است اسلام به دلیل اینکه «اله» را ایدئال مطلق خود قرار داده است پیوسته می‌تواند مردم را به حرکت درآورد و مبنای محکمی برای نظم اجتماعی ساخت جامعه و تمدن باشد. شهید صدر رابطه میان امت و تمدن را رابطه «این‌همانی» عنوان کرده است.^۴ از نظر شهید صدر، چون توحید عامل شکل‌گیری نظام‌های اسلامی است، اولین قدم در شکل‌گیری جامعه توحیدی علم دینی و تمدن نوین اسلامی است.^۵

از نگاه آیت‌الله سبحانی، «تمدن اسلامی» گفتمانی است که به دنبال تبیین و تأسیس الگوهای پیشرفت در چهارچوب فرهنگ اسلامی و آموزه‌های وحیانی است.^۶

۱. روحی، «چشم‌انداز گفتمان تمدن‌گرایی اسلامی در اندیشه رهبری»، فصلنامه *مطالعات راهبردی بسیج*، ۱۶ (۶۱)، ص ۸۴

۲. جمشیدی، «جامعه‌شناسی تاریخی تمدن از منظر علامه جعفری»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ص ۵۷۶.

۳. جعفری، *تفسیر نهج البلاغه*، ص ۲۳۹.

۴. بهمنی، «تمدن اسلامی از منظر شهید صدر»، *سلسله نشست‌های مجازی نخستین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم*، ص ۸۹

۵. موسوی و سرلک، «مشکلات انسان معاصر و ضرورت بازخوانی اسلام از منظر شهید صدر»، فصلنامه *مطالعات معرفتی*

در دانشگاه اسلامی، ۱۹ (۲)، ص ۲۵۰.

۶. سبحانی، *منشور جاوید*، ص ۲۸۳.

«تمدن اسلامی» به عنوان گزاره‌ای جهان‌شمول، با مجموعه‌ای از عوامل منسجم، شبکه‌ای از روابط عناصر همسان و ناهمسان را در نظام تمدنی شکل می‌دهد.^۱ مولانا در جایی دیگر پارادایم جامعه اسلامی را پارادایم جهانی معرفی می‌کند که به اقتضای روح توحیدی‌اش به شکل کلی یا جزئی تابع هیچ پارادایمی نمی‌شود.^۲ از نگاه حسین نصر، «تمدن اسلامی» تمدنی است که تمام جنبه‌های آن متوجه خدا و فطرت انسان است تا بتواند نقش جانشینی خداوند را که به سبب آن در زمین استقرار یافته است برآورد.^۳ از نظر او، اسلام هم دین و هم تمدن است و قرآن از نظر طولی «تاریخی» و از نظر عرضی «جامعه انسانی» جهان‌شمول و وارث زنجیره طولانی انبیاست.^۴

در میان اندیشه‌ورزان حوزه فلسفه اجتماعی و دین، «تمدن اسلامی» به مجموعه دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مسلمانان تعریف شده که در مقطعی از تاریخ ذیل مؤلفه‌های عقلانیت، اخلاق و معنویت با رویکرد اسلامی تحقق پیدا کرده است.^۵ از دریچه هویت‌یابی جهانی، «تمدن اسلامی» چنین تعریف می‌شود:

فرهنگ و تمدن دو مقوله مهمی است که به ملل جهان هویت بخشیده و از رهاوردهای مهم اسلام در حیات بشری است.^۶

نظریه‌پردازان الگوی اسلامی «تمدن اسلامی» را تمدنی متصل به جوهر معرفتی تعریف کرده‌اند که با نیازهای روز اجتماع کارآمد می‌شود. این تمدن از سطح حوزه معرفتی علوم تأسیسی (شریعت)، علوم تملیکی (فلسفه) و علوم اخذی (طب و نجوم) استفاده می‌کند.^۷

با توجه به مجموع تعاریف، «تمدن اسلامی» کلان‌نگرش تمامیت‌داری است که با هدف واحد موجب شکل‌گیری ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی می‌شود و احیاگرانه و قانونمند است.

مفهوم‌یابی «تمدن نوین اسلامی»

رقابت‌های تمدنی، تعارض‌ها و تضادهای مبنایی نهفته در تشنات‌های سنت و مدرنیته نخبگان مسلمان را

۱. مولانا، «نظریه گفتگوی تمدن‌ها»، مجله گفتمان، ۳ (۶)، ص ۱۹۹.

۲. مولانا، *نظم نوین جهانی و محیط زیست فرهنگی*، ترجمه اسماعیل اسفندیاری، ص ۲۰۴.

۳. گرجی، «پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده»، *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی پیشرفت*، ص ۲۳.

۴. عالمی، «رهیافتی بر تمدن و تمدن اسلامی از دیدگاه نصر»، *فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی*، ۳ (۶)، ص ۱۷۱.

۵. خسروپناه، *سلسله مباحث تمدن اسلامی*، ص ۸۴.

۶. زمانی‌محبوب، «نوسازی تمدن اسلامی»، *تاریخ در آینه پژوهش*، ۸ (۱)، ص ۱۱۷.

۷. آیین‌وند، «اساس تمدن اسلامی اتصال به ریشه»، *سلسله نشست‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت*، ص ۳۷.

به فکر ارائه طرحی نو واداشته است. یکی از راه‌حل‌های رفع تعارض‌ها در عرصه حیات اجتماعی ایجاد «تمدن نوین» است که با اتکا بر اندیشه بنیادین توحید، قالبی از زیست مؤمنانه را فراهم خواهد کرد.^۱

بعد از تعریف «تمدن اسلامی» و کشف معنای عنصر اسلامیت، عنصر «نوین» بودن «تمدن نوین اسلامی» نیازمند بازخوانی تعریف آن است. در کتب لغت، «نوین» به معنای تازه، نو، جدید، دارای حالت یا کیفیت نو است.^۲ در نگاه ابتدایی، «نوین» بودن تمدن به معنای ناهمگونی آن با تمدن‌های پیشین است، اما وصف شدن با صفت اسلامی درخور تأمل است؛ زیرا وصف اسلامی برای «نوین» قید احترازی است. مقصود از «تمدن نوین» نه تنها در تغایر، بلکه در تقابل و در عرض تمدن غرب است.^۳ با این نگرش، معنای «نوین بودن» از دو جهت قابل تأمل است:

۱. این تمدن پس از ظهور و تجربه بشر از نگرش کاملاً مادی‌گرایی غرب و انفعال جهان در برابر آن رخ داده است. لذا تجربه‌ای نو محسوب می‌شود؛

۲. این تمدن، با تکیه بر اصول کهن اندیشه اسلامی، زیرساخت‌های متناسب با تحولات جهان‌زیستی بشر را ارائه خواهد داد که بعد از تجربه پیشین تمدن اسلامی به فراموشی سپرده شده بودند. این واژه مبین مرحله‌ای از رشد بشری است که در قالب مدنیت و اجتماع خاص (امت واحده) بروز می‌یابد. ورود این انگاره به فضای زیسته بشر نیازمند پردازش مفهومی است که از خلال تعاریف نظریه‌پردازان این حوزه قابل درک است.

تعریف «تمدن نوین اسلامی» بر اساس لایه‌های ساختاری

«تمدن نوین اسلامی» با اتکا بر بنیادهای فکری و اعتقادی اسلام و اهتمام به سازگاری با شرایط و مقتضیات زمان و مکان مدعی است می‌تواند بر جامعه جهانی اثر گذارد.^۴ «تمدن نوین اسلامی» به‌رغم وجوه اشتراکی در عناصر مادی با سایر تمدن‌ها، در مؤلفه‌های نرم‌افزاری و معنوی تفاوت آشکاری با آنها دارد. این تمدن با افق توحیدی اهداف کلان فلسفی، وحیانی و اجتماع سیاسی را دنبال می‌کند.

«تمدن نوین اسلامی» نه عین همان «تمدن اسلامی» اولیه و نه تمدنی کاملاً متفاوت است، بلکه تمدنی است که ریشه‌های خود را از اسلام و تمدن اسلامی گرفته، اما متناسب با تغییرات و تحولات

۱. پورعباس، *توحید اجتماعی و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی*، ص ۶۴.

۲. انوری، *فرهنگ بزرگ سخن*، ص ۸۰۶.

۳. پورعباس و دیگران، «تأملی در کارکرد توحید عبادی نسبت به مظاهر عینی تمدن نوین اسلامی»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، ۱۵ (۲)، ص ۱۵.

۴. دهشیری، «تمدن اسلامی: چشم‌اندازها و راهبردها»، *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین*، ص ۱۳۴.

عرصه جهانی از ابعاد جدید و نوظهور نیز برخوردار است.^۱ این تمدن، با تکیه بر خرد جمعی و عقلانیت توحیدی، شکوفایی حیات بشری را به همراه دارد.

منظور از «تمدن نوین» مدنی است که براساس بنیادها و نظام‌های نظری و عملی اسلامی ساخته شده است و در گستره جغرافیایی عینیت پیدا می‌کند.^۲ نظریه «تمدن نوین» با تکیه بر مبانی‌ای چون عبودیت، توحید، کرامت انسانی و سبک زندگی، به‌مثابه یک رهاورد و راهبرد، مسیر زندگی اجتماعی امت واحده را تعیین می‌کند.^۳

«تمدن نوین اسلامی» عبارت است از ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند و نوظهور سیستماتیک و امت اسلامی با محوریت ایران با تعالیم اسلامی در تمام عرصه‌های اجتماعی که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته است. در این تعریف، ظهور و بروز ناظر بر عینیت‌یافتگی تمدن نوین است. سیستماتیک بودن ناظر بر ابرنظریه و الگوی مشخص تمدن نوین است و عنصر نوظهور بودن مرز میان تمدن تاریخی و نوین بودن را روشن می‌کند.^۴

تعریف «تمدن نوین اسلامی» براساس تحلیل مفهومی

در تحلیلی مفهومی، «تمدن نوین» با توجه به دو قید «اسلامی بودن» و «نوین بودن» دایره تمدنی متمایزی را ظاهر می‌کند که دارای ارکانی چون نرم‌افزار اداره جامعه در برآوردن نیازها، ساختار هویت‌مندی اسلامی با گستره امت اسلامی، هم‌بستگی میان خرده‌نظام‌ها و علم حاصل از تمدن است.^۵

متفکران اسلامی، همچون امام خمینی علیه السلام، به دنبال پیوند میان عقلانیت توحیدی به عنوان جوهره اسلام و احیای تمدن اسلامی، توانستند با اتکا به نیروی خرد انسانی و حاکم ساختن آن در تفکرات و اعمال افراد جامعه در راستای استخوان‌بندی متقن اسلام در درک هستی، «تمدن نوین» را مطرح کنند.^۶

۱. اکبری و رضایی، «واکاوی شاخص‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبری»، دوفصلنامه *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی*، ۳ (۵)، ص ۹۱.

۲. جهان‌بین، اولین هفته علمی تمدن نوین، *مجموعه سلسله نشست‌های تمدنی*، ص ۵۶.

۳. واسعی، «تأملاتی درخصوص مراحل تمدن‌سازی رهیافتی برای تمدن نوین»، دوفصلنامه *مطالعات تمدن نوین*، ۳ (۱)، ص ۱۶۷.

۴. غلامی، *فلسفه تمدن نوین اسلامی*، ص ۱۱۷.

۵. دنیوی، «معناشناسی تمدن نوین اسلامی با تحلیل مفهومی و مقایسه تطبیقی تمدن اسلامی»، *مجموعه مقالات سومین همایش ملی تمدن نوین*، ص ۸۷.

۶. تاجیک و رحیمی، «نقش فیلسوفان نئوصدرايي در تمدن نوین اسلامی»، *مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش عقلانیت و هم‌گرایی مسلمانان در شکل‌گیری تمدن نوین*، ص ۱۱۶.

در این اندیشه، اسلام دارای اصالت وجود، صیوریت و حقیقتی پویا و زنده است که در بطن آن حکمتی مدنی و متعالی معطوف به مدنیت و حکومت وجود دارد.^۱

براساس مجموعه تعاریف، «تمدن نوین»، نه تجربه‌ای خارج از زیست انسان، که کلان‌ترین سیستم تنظیم حیات بشری بر مبنای معرفت‌شناسی و امر مقدس توحیدی است. در این تمدن، برای انسان کرامت و هویت متعالی در نظر گرفته شده است. عقلانیت برخاسته از غایت‌انگاری حاکم بر ایدئولوژی تمدن نوین عقلانیت فرابردی است که قابلیت پردازش، نظریه‌سازی و نظریه‌پردازی در تمام حوزه‌های بشر را دارد و می‌تواند مبانی، اهداف، اصول و راهبردها را تنظیم سازد.

امکان‌سنجی تحقق تمدن نوین اسلامی

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های مطرح در مباحث تمدنی این است که بر فرض وجود رابطه میان تمدن‌های بشری با اعتقادات مذهبی و دینی مردم، این رابطه در چه حدی است؟ و چه تأثیراتی بر شکل‌گیری و انحطاط آنها دارد؟ و چگونه می‌توان این رابطه را کنترل و هدایت کرد؟ آیا اساساً امکانی برای تحقق تمدن دینی، یا به صورت ویژه تمدن نوین اسلامی، وجود دارد یا خیر؟

در پاسخ به این سؤالات باید توجه داشت که اگر تمدنی بخواهد در عرصه کلان و به‌مثابه یک کنشگر فعال ظاهر شود، نیازمند حوزه اعتبار و قدرت است. مقصود از اعتبار تمدنی میزان اثرگذاری شاخصه‌های آن تمدن است که بر نیروهای بیرون از خود اثر گذارد و پویای رفتارهای اعضای آن را شکل دهد. حوزه اعتبار تمدنی دو کارکرد دارد: ۱. تولید و بازتولید تمدن در گستره تمدنی که برخی آن را «ژئوتمدن» تعبیر کرده‌اند؛ ۲. سنجش قدرت یک تمدن با تمدن‌های دیگر.^۲ با توجه به این مؤلفه، یکی از مصادیق تولید و بازتولید تمدن حوزه اعتباری دینی و کارویژه‌های آن است. حوزه اعتباری دین با عناصر مؤثری چون مصادر مکتوب (مؤلفه سطح علمی و عملی تمدن) و گذار از مرحله اضطرار (رفع نیازهای اولیه مادی و معنوی برای ظهور، بقا و گسترش)، در صورت شکست نظامی نیز، می‌تواند بار دیگر به سطح تمدنی بازگردد و به بازیگر مؤثر تمدنی تبدیل شود. رصد این دو مؤلفه در قامت اعتبار تمدنی اسلام دلالت بر اعتبار بالای تمدنی آن دارد و آثار عملی آن در بستر هم‌بستگی تمدنی قابل مشاهده است. می‌توان این‌گونه نیز تعبیر کرد که قدرت هم‌بستگی جامعه مدنی مقیاسی برای سنجش ظرفیت جامعه در توسعه تمدنی و پویایی تمدن است. یکی از حوزه‌های اعتبارزایی تمدنی، قدرت

۱. صدر، *خواتش سیاسی حکمت متعالیه*، ص ۲۱۴.

۲. غلامی، «فلسفه تمدن نوین اسلامی؛ تمایزات و تعریف مراحل تمدن»، *درس‌گفتار فلسفه تمدن نوین*، ص ۴.

گسترش آن است که هرچه تنوع و تکثر فرهنگی در یک تمدن بیشتر باشد و از درجه هم‌بستگی بالایی برخوردار باشد، اعتبار و قدرت آن نیز بالاست.^۱

تحقق ایمان در مقیاس کلان اجتماعی، تنظیم مناسبات انسانی براساس یک حرمت معنوی، دینی و حبی، روحیه معنویت جمعی و پیوندهای عمیق انسانی آرمانی است که ذیل تحقق تمدن نوین اسلامی مورد توجه متفکران اسلامی بوده است.^۲ با توجه به اینکه تمدن سلسله نظام مناسبات انسانی است، اسلامی شدن یا اسلامی بودن آن منوط بر وجود یک منبع مشترک تمدنی است که نوعی انسجام و وحدت در فرایند تمدنی ایجاد کند.

بازشناسی رابطه تمدن و دین اسلام ارتباط مستقیمی با نحوه نیاز انسان‌ها به جامعه و دین دارد. شهید مطهری به این رابطه توجه نشان داده است:

یکی از قدیمی‌ترین تجلیات روح آدمی و اصیل‌ترین ابعاد وجود او حس نیاز به پرستش است. هر زمان و هر جا بشر بوده نیاز به پرستش نیز وجود داشته است؛ منتها نوع و شکل پرستش معبود تغییر کرده است.^۳

ایشان در خصوص اصالت ذاتی و حیات مستمر دین معتقد است:

دین صد جان دارد. هر چیزی اگر یک بار میرانده شود، برای همیشه می‌میرد، مگر دین که باز زنده می‌شود.^۴

ایشان، برای بیان رابطه همیشگی دین و تمدن، به اقتضائات بشری نیز توجه می‌کند:

پدیده‌های اجتماعی در مدتی که باقی هستند حتماً باید با خواسته‌های بشری تطبیق کند و یا باید وسیله تأمین خواسته‌های اولیه بشر باشند. دین از اموری است که علاوه بر ویژگی گفته‌شده، از امور فطری بشر نیز هست.^۵

بر این اساس، «توحید» می‌تواند به جامعه و حیات اجتماعی انسان معنای متعالی دهد و مناسبات و روابط انسانی را به گونه‌ای تنظیم کند که نتیجه آن پیشرفت، تکامل، تعالی و سعادت باشد؛ بدین صورت

۱. واسعی، *فلسفه تمدن اسلامی در ترازوی شناخت*، ص ۱۱۶ - ۱۱۴.

۲. پارسائیان، *جهان‌های اجتماعی*، ص ۸۱.

۳. مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۵، ص ۲۱.

۴. همان، ج ۳، ص ۳۸۸.

۵. همان، ص ۳۸۶.

که اگر توحید در نظام معنایی آحاد جامعه قرار بگیرد، همفکری، همدلی و امت واحده‌ای ایجاد می‌شود که نتیجه آن تحول در روح جمعی، مسئولیت‌پذیری همگانی و تکلیف‌مندی تمام ساختارهای امت واحده است. درحقیقت، تمدن‌سازی بر مبنای توحید جامعه‌پردازی با تأکید بر معرفت‌شناسی الهی - انسانی است که عقلانیت تعالی‌محور باب جدیدی در کسب حیات طیبه اجتماعی باز خواهد کرد. عقلانیت موجود در روح توحید ابزار کادرساز در ایجاد روح معنویت، آینده‌نگری، واقع‌گرایی، تحلیل‌های صحیح جامعه‌ساز و پیشرفت است.

نتیجه

از بازخوانی تجربه تمدنی و زیسته بشر چنین به دست آمد که «تمدن» ناظر به مرحله برون‌رفت آدمی از وضعیت وحشیگری به جامعه مدنی و حیات منظم اجتماعی است. با توجه به مفهوم‌یابی گسترده از واژگان اصلی این پژوهش، چنین به نظر می‌رسد که در بینش اسلامی «تمدن اسلامی» مترادف مفهوم «امت واحده» است و نهادی فطری، طبیعی و الهی به عنوان عالی‌ترین نگاه جمعی در حیات انسان‌هاست. در این اندیشه، تمام خرده‌نظام‌ها در خدمت اهداف کلان شریعت (قرب الی الله) قرار گرفته و عنصر محوری تمدن‌سازی «توحید» است که بیشترین تعهد انسانی را برای تحقق تمدن نوین ایجاد می‌کند. عقلانیت موجود در روح «توحید» ابزار کادرساز در ایجاد روح معنویت، آینده‌نگری، واقع‌گرایی، تحلیل‌های صحیح جامعه‌ساز و پیشرفته است که کرامت و هویت نوینی برای بشر محقق خواهد کرد. در دنیای کنونی، «تمدن نوین» قابلیت دارد از رهگذر بازخوانی مجدد تمدن اسلامی و بازسازی مفهومی و عملی نظام اعتقادی اسلام، گستره حرکت جهانی را نظم نوینی ببخشد. «تمدن نوین» درحقیقت احیای تمدن اسلامی با محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، عقلانیت جهان‌شمول، درک مقتضیات و شرایط زمانی و اخلاق است. با توجه به این ضرورت، اندیشمندان مسلمان به اصل تحقق تمدن نوین توجه کرده و اگرچه واژه «تمدن نوین» را عیناً تکرار نکرده‌اند، واژگان جایگزینی که مکرراً بیان داشته‌اند دلالت التزامی بر این امر دارد. در نتیجه، با توجه به تعاریف مطرح‌شده، می‌توان ادعا کرد که «تمدن نوین اسلامی» از نگاه متفکران مسلمان، مصداق عینیت‌یافته از تمدن برتر الهی است که در آن به دو عنصر انسان و الله و پیوند میان آنها در ساحت زندگی اجتماعی بشر توجه شده و ابزار مؤثر آن نیز فطرت و عقلانیت است.

تعارض منافع

این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی طبق ابلاغ شماره ۷۱۷۳ انجام شده است.

منابع و مأخذ

-قرآن کریم.

- آینه‌وند، صادق (۱۴۰۱). اساس تمدن اسلامی اتصال به ریشه. *سلسله نشست‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت*. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اباذری، یوسف، سارا شریعتی و مهدی فرجی (۱۳۹۱). فراروایت تمدن یا فرایند تمدن‌ها؟ خوانشی از پروبلماتیک فرهنگ و تمدن. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*. ۴ (۲).
- ابن فارس، ابوالحسین (۱۳۹۹). *مقاییس اللغة*. بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۷ ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸). *مجموعه مقالات دانشگاه فرهنگ، جامعه*. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- اشپنگر، اسوالد (۱۳۶۹). *فلسفه سیاست*. ترجمه هدایت‌الله فروهر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اکبری، مرتضی و فریدون رضایی (۱۳۹۳). واکاوی شاخص‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبری. *دوفصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی*. ۳ (۵).
- الویری، محسن و سید رضا مهدی‌نژاد (۱۳۹۷). رابطه اسلام و تمدن در اندیشه امام خمینی. *فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی*. ۶ (۲).
- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: نشر سخن.
- بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۵). چیستی تمدن در فلسفه. *فصلنامه فلسفه و الهیات*. ۲۱ (۴).
- بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۶). تنوع اسلامی در فرایند تمدن. *فصلنامه نقد و نظر*. ۲۲ (۸۸).
- بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۹). *ماهیت و رویکرد تمدنی*. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- باقری، شهلا (۱۳۹۹). *قابلیت‌های راهبردی و سرمایه فرهنگی در عرصه دین و فرهنگ*. تهران: مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.
- بهمنی، سعید (۱۴۰۰). تمدن اسلامی از منظر شهید صدر. *سلسله نشست‌های مجازی نخستین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۱). *جهان‌های اجتماعی*. قم: انتشارات کتاب فردا.
- پورعباس، محمد (۱۳۹۸). *توحید اجتماعی و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی* (رساله دکتری). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

- پورعباس، محمد و دیگران (۱۳۹۷). تأملی در کارکرد توحید عبادی نسبت به مظاهر عینی تمدن نوین اسلامی. *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*. ۱۵ (۲).
- تاجیک، ملیحه و رقیه رحیمی (۱۴۰۰). نقش فیلسوفان نوصدرایی در تمدن نوین اسلامی. *مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش عقلانیت و هم‌گرایی مسلمانان در شکل‌گیری تمدن نوین*. قم: انتشارات جامعه المصطفی.
- توینبی، آرنولد (۱۳۸۵). *بررسی تاریخ تمدن*. ترجمه محمدحسین آریا. تهران: امیرکبیر.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹). *فرهنگ پیشرو، فرهنگ پیرو*. قم: مؤسسه تنظیم آثار استاد جعفری.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۰). *تفسیر نهج البلاغه*. قم: مؤسسه تنظیم آثار علامه جعفری.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۹). نخستین نگارش‌ها در خصوص تمدن اسلامی. *دوفصلنامه نقد کتاب آینه پژوهش*. ۳۱ (۴).
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی تاریخی تمدن از منظر علامه جعفری. *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*. تهران: مرکز پژوهش‌های ایرانی - اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۶). *مجموعه مقالات نخستین هفته علمی تمدن نوین اسلامی*. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حسینی، بی بی حکیمه؛ رضی، حسنعلی (۱۳۹۸). هستی‌شناسی توحیدی قرآن و نقش آن در تمدن‌سازی تربیت‌محور. *فصلنامه علم و تمدن در اسلام*. ۲ (۲).
- چیت‌چیان، هانی (۱۴۰۱). *مدیریت انبیا در برپایی تمدن توحیدی*. تهران: مدرسه قرآن و اهل بیت دانشگاه تهران.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۷). *سلسله مباحث تمدن اسلامی*. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- دنیوی، احسان (۱۳۹۵). معناشناسی تمدن نوین اسلامی با تحلیل مفهومی و مقایسه تطبیقی تمدن اسلامی. *مجموعه مقالات سومین همایش ملی تمدن نوین*. تهران: دانشگاه شاهد.
- دورانت، ویل (۱۳۷۶). *تاریخ تمدن*. ترجمه مجموعه مترجمان. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴). تمدن اسلامی: چشم‌اندازها و راهبردها. *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین*. تهران: دانشگاه شاهد.

- راغب اصفهانی، احمد (۱۴۰۴ ق). *المفردات فی الفاظ القرآن*. ترجمه غلامرضا خسروی. تهران: المكتبة المرتضویه.
- راهدار، احمد (۱۳۹۴). چستی تمدن اسلامی. فصلنامه *اندیشه تمدن اسلامی*. ۱ (۱).
- رجبی، علی اصغر (۱۳۹۸). *تمدن نوین اسلامی: چالش‌ها و راهبردها*. قم: نشر معارف.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۹۰). *دروس فلسفه فرهنگ*. قم: کتابخانه فقاقت.
- روحی، نبی‌اله (۱۳۹۲). چشم‌انداز گفتمان تمدن‌گرایی اسلامی در اندیشه رهبری. فصلنامه *مطالعات راهبردی بسیج*. ۱۶ (۶۱).
- زمانی محبوب، حبیب (۱۳۹۰). نوسازی تمدن اسلامی. *تاریخ در آینه پژوهش*. ۸ (۱).
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۳). *منشور جاوید*. قم: انتشارات امام صادق علیه السلام.
- صدرا، علیرضا (۱۳۹۶). *خوانش سیاسی حکمت متعالیه*. تهران: مرکز پژوهش‌های ایرانی - اسلامی.
- عالمی، سید علیرضا (۱۳۸۶). رهیافتی بر تمدن و تمدن اسلامی از دیدگاه نصر. فصلنامه *تاریخ و تمدن اسلامی*. ۳ (۶).
- عبدالملکی، هادی، قدیر نظامی پور و طاها عشایری (۱۳۹۷). نظریه گذار تمدنی به مثابه راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی. *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*. ۱ (۱).
- عرفان، امیر محسن (۱۳۹۳). دیالکتیک امت، ملت. فصلنامه *مطالعات راهبردی*. ۱۵ (۴۹).
- عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ عمید*. تهران: امیر کبیر.
- غلامی، رضا (۱۳۹۵). *فلسفه تمدن نوین اسلامی*. تهران: سوره مهر.
- غلامی، رضا (۱۳۹۵). معنای تمدن نوین و فلسفه نیازمندی به تمدن نوین. *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی*. تهران: دانشگاه شاهد.
- غلامی، رضا (۲۷ مرداد ۱۳۹۶). فلسفه تمدن نوین اسلامی؛ تمایزات و تعریف مراحل تمدن. *درس‌گفتار فلسفه تمدن نوین*. تهران: خانه اندیشمندان علوم انسانی.
- غلامی، رضا (۱۳۹۷). تمدن نوین مرتبه‌ای از حیات طیبه. هفته‌نامه علمی *تمدن نوین اسلامی*. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- غلامی، رضا (۱۳۹۹). *سلسله نشست‌های تمدن نوین اسلامی*. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- غلامی، رضا (۱۴۰۱). *پیش‌نشست اولین کنگره جهانی فارابی و تمدن اسلامی*. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- فوکوتسو، یوکیچی (۱۳۷۹). **نظریه تمدن**. ترجمه چنگیز پهلوان. تهران: نشر گیو.
- قرشی، علی‌اکبر (۱۴۱۲ ق). **قاموس القرآن**. تهران: دار الکتب اسلامی.
- گرجی، اطهر (۱۳۹۴). پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده. **مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت**. تهران: مرکز الگوی اسلامی پیشرفت.
- لیتنن، رالف (۱۳۸۸). **سیر تمدن**. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مصطفوی، سید حسن (۱۳۸۵). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. قم: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
- مظاهری مقدم، ابوزر؛ صولتی، یاسر (۱۴۰۰). چارچوب مفهومی تمدن از دیدگاه علامه مصباح. **فصلنامه معرفت**، ۳۰ (۸).
- موالی‌زاده، سید فرید (۱۴۰۱). تمدن نوین اسلامی؛ از آرمان تا واقعیت. **مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی**. ۲ (۳). ۱۷۶ - ۱۶۲.
- موسوی، سید مهدی و علی سرلک (۱۳۹۴). مشکلات انسان معاصر و ضرورت بازخوانی اسلام از منظر شهید صدر. **فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**. ۱۹ (۲).
- مولانا، حمید (۱۳۸۱). نظریه گفتگوی تمدن‌ها. **مجله گفتمان**. ۳ (۴).
- مولانا، حمید (۱۳۸۷). **نظم نوین جهانی و محیط زیست فرهنگی**. ترجمه اسماعیل اسفندیاری. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه.
- مهدی‌نژاد، سید رضا (۱۴۰۱). رویکردی نظری به مسئله رابطه دین و تمدن. **اسلام و مطالعات اجتماعی**. ۱۰ (۲).
- نجفی، موسی (۱۳۹۹). نظریه تمدن نوین اسلامی از رویکرد فلسفی - نظری تا رویکرد تاریخی - نظری. **مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی**. ۳ (۲). ۴۰ - ۱.
- نصر، حسین (۱۳۸۸). **جستاری نظری در باب تمدن**. ترجمه احمد راهدار و همکاران. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۹). **هویت اصلی فقه تمدنی، فقه فرایندی**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- واسعی، سید علیرضا (۱۳۹۹). تأملاتی درخصوص مراحل تمدن‌سازی رهیافتی برای تمدن نوین. **دوفصلنامه مطالعات تمدن نوین**. ۳ (۱).

- واسعی، سید علیرضا (۱۴۰۱). *فلسفه تمدن اسلامی در ترازوی شناخت*. تهران: پژوهشکده اسلام تمدنی.
- واسعی، سید علیرضا (۱۳۹۶). مفهوم‌شناسی تمدن اسلامی. فصلنامه *نقد و نظر*. ۲۲ (۸۸).
- هجری، سجاد (۱۴۰۰). *تبارشناسی تاریخی واژه تمدن در جهان اسلام*. تهران: نشر الکترونیک صاد.

